



شهید سید حسن نصرالله امیر قهرمان عرب

غلامعلی نسائی
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول

مهر که می آید، بوی خون و شقایق با هم می آمیزد. مهر، ماه ایستادگی است؛ ماه مردی که نامش برای لبنان عظمت آورد و برای مقاومت، قامتی بلند. سید حسن نصرالله، تنها یک رهبر نبود؛ او روایتی زنده از «نصرت و فتح» بود. مردی که در اوج تهدید، لبخند بر لب داشت و در دل آتش، قامتش خم نشد. دشمن گمان کرد با بمب‌های سنگرشکن و گازهای سمی می‌تواند صدای حق را خاموش کند، غافل از آنکه خون شهید، بذر مقاومت است.

او در ضاحیه به شهادت رسید، اما پیش از آن، در قلب‌های میلیون‌ها انسان آزاده جا گرفته بود. تشییع پیکرش پس از ماه‌ها، به بزرگ‌ترین مراسم تاریخ لبنان بدل شد؛ تجلی وحدتی که دشمن از آن می‌هراسید. قائد شهید امت اسلامی حضرت امام خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، آن شهید عالی‌قدر را «امیر قهرمان عرب» و «نماد بزرگ جبهه مقاومت» خواندند؛ کسی که خیرخواه صادق ملت خود بود و خطبه‌هایش، قلوب را مستحکم می‌ساخت. نصرالله، لبنان کوچک را به عظمتی بلند رساند و نامش در تاریخ شامات، پس از انبیا و اوصیا، چون ستاره‌ای درخشان می‌درخشد.

امروز، پرچم او در دستان شیخ نعیم قاسم و رزمندگان حزب‌الله است؛ همان‌ها که عاشورایی مبارزه می‌کنند. دشمن صهیونیستی و حامیان‌ش باید بدانند که ترور، نه تنها مقاومت را نمی‌کشد، بلکه آن را در جان‌ها و نسل‌ها تکثیر می‌کند. مهر امسال، تنها سالگرد یک شهادت نیست؛ سالگرد یک مکتب است. مکتبی که به ما آموخت «نصرت و فتح، همراهان دائمی» کسانی است که برای حق می‌ایستند. و ما، در هفته‌نامه هوران، بر این عهد ایستاده‌ایم که راهش را ادامه دهیم؛ تا آزادی قدس، تا نابودی ظلم.

سید حسن نصرالله؛ ما معتقدیم یزید این دوران که باید کربلایی، حسینی و زینبی با او مقابله کنیم، پروژه‌ی آمریکایی صهیونیزم است. پروژه‌ای که امت، تمدن، ادیان آسمانی، ملت‌ها و مقدسات ما را تهدید می‌کند. و ما در برابر این یزید، حسینی و زینبی بوده‌ایم و خواهیم ماند. این نبرد برای ما در اولویت مطلق خواهد ماند.



مردی به تکرار
رهبر معظم انقلاب | ۶/مهرماه/۱۴۰۵
HOTERASSEDGRAPH

نصرت و فتح، همراهان دائمی او! امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبهه مقاومت، شهید عالی‌قدر جناب سید حسن نصرالله [بودند و بی‌تردید در طول کل تاریخ شامات تا کنون، پس از انبیا و اوصیا ایشان، زجلی به عظمت او در آن خطه کهن سر بلند نکرده بود. *سید علی*



پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت شهید سید حسن نصرالله



حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب و فرمانده کل قوا، در پیامی به مناسبت سالگرد روزهای آغازین جنگ تحمیلی اول و ایام الله دفاع هشت‌ساله و ماندگار ملت ایران، با اشاره به تلاش سلطه‌گران برای بازگرداندن ایران به دوران عقب‌ماندگی، «ذلت و خواری»، وابستگی و بدنامی از طریق تحمیل جنگ در دهه اول انقلاب، تأکید کردند: به‌رغم تلاش‌های گسترده، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، با صدایی رساتر و پروازی بلندتر، ققنوس‌وار برخاست و این، خصلت مستمر این نظام در حوادث دشمن‌ساخته بعدی شد؛ و اینک آن ققنوس بر اثر فشارهای دشمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن‌چنان بزرگ شده است که سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین با گرامیداشت دومین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبهه مقاومت، جناب سید حسن نصرالله، و تجلیل از مقاومت و مجاهدت عاشورایی جناب شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب الله لبنان، و رزمندگان حزب الله، خاطر نشان کردند: این روزهای لبنان، روزهایی برجسته و پرافتخار برای همه مجاهدان مقاومت و روزهایی ذلت‌آفرین و نهایتاً سرافکننده‌کننده برای کسانی است که در مقابل دشمن صهیونیستی، چشم امید به وعده‌های دروغین سلطه‌گران و بدخواهان خود دوخته‌اند.

متن پیام رهبر معظم انقلاب به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ

آغازین روزهای ماه مهر، یادآور ایام الله و پدیده عظیم و ماندگار دفاع هشت ساله جانانه ملت ایران در جنگ تحمیلی اول است. در آن روزها تابش گرم خورشید انقلاب در پهنه سرزمین ایران، حس مطبوعی از همبستگی ملی و وفاداری به مکتب و مرام اسلام انقلابی می‌پراکند که از اثر آن یخ‌های سلطه‌گری و استعمار کهن و نوین در حال ذوب شدن بود. در آن روزها بعضی از مردم ایران خاطرات بیست و چند سال قبل از آن در بدخواهی استعمارگران و حوادث مربوط به ملی‌سازی صنعت نفت و کودتای امریکایی را به یاد داشتند. بعضی دیگر اخبار آن را شنیده بودند و بسیاری از ایشان این واقعیت که تسلط اجنبی بر شئون کشورمان چه‌ها بر سر آن آورده بود را به‌خوبی لمس کرده بودند. اما روزهای قبل از آن، روزهایی تیره و تاریک بود که سفیران دولتهای مستکبر بایدها و نبایدها را به شاه مملکت ابلاغ می‌کردند و او هم با رغبت یا با بی‌میلی همان‌ها را اجرا می‌نمود تا آنکه انقلاب عظیم ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی آن بساط را برهم زد. آن روزهای تیره در اثر این انقلاب به روزهای پر نور برقراری جمهوری اسلامی ایران انجامید. این امر بر سلطه‌گرانی که چشم طمع به ثروتهای این سرزمین دوخته بودند و سالها برای از آن خود کردن آن، انواع بدی‌ها را در حق مردمان آن روا داشته بودند، بسیار گران می‌آمد. بنابراین از آن پس همه هم و تلاش خود را برای برگرداندن جریان رود خروشان ملت انقلابی به سمت سابق به‌کار بستند و جنگ تحمیلی اول، مهمترین اقدام آنان در دهه نخست حیات مبارک جمهوری اسلامی بود.

از دل آتش آن جنگ که به‌دست حزب ضد مردمی بعث و با توهم جنگی چند روزه و به دست آوردن پیروزی‌ای کم‌زحمت افروخته شده بود، نظام اسلامی برومندتر و قوی‌تر از قبل، ققنوس‌وار برخاست با صدایی رساتر و پروازی بلندتر

از سابق؛ و این خصلت مستمر این نظام در حوادث دشمن‌ساخته بعدی شد. آن روزهایی که دشمن این ملت نوکران خود را بر ایشان مسلط ساخته بود و شکلی نوین از استعمار را اعمال می‌نمود، به برکت انقلاب و برافراشتن پرچم اسلام و جهاد در بستر جنگ تحمیلی، به روزهایی پرافتخار تبدیل شد که هنوز پس از گذر ۳۸ سال از انتهای آن، از ملاحظه جزء جزء حوادث آن و روایت‌های صادقانه بازماندگانش، اسوه‌هایی که هر یک درس آموز عبادت، شجاعت، مقاومت، اخلاق، و انسانیت هستند، همچون ستارگانی درخشان بر تارک تاریخ کشورمان رخ می‌نمایند. آن روزهایی که در آغاز تهاجمات دنباله‌های نظام سلطه، کشورمان برای دفاع از خود در مقابل بسیاری از تهدیدات، دستانی خالی را از نظام طاغوت به ارث برده بود، به برکت اقامه حق و امداد الهی، اینک به روزهایی رسیده است که خود سلطه‌گران متجاوز، و نه دنباله‌روان آنان، در مقابل حملات رزمندگان اسلام، جان‌پناهی می‌جویند و دست التماس به ترک جنگ برمی‌دارند.

آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پر از عقب‌ماندگی، ذلت و خواری، وابستگی، و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آن هستیم پُر است از پیشرفت، عزت، استقلال، و قدر اعلای اعتبار در جهان اسلام و بلکه کل جهان. امروز کسانی ما را ابرقدرت چهارم دنیا می‌دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می‌گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلق به عترت طاهره صلوات الله و سلامه‌علیهم اجمعین می‌داند و عمده مردمانش دلبسته آن والامقامانند و برای اقامه حق هراسی ندارند را قدرت اول جهان می‌داند.

آن روزها دو دریای جنوب ایران، جولانگاه نیروهای دشمن بود، ولی این روزها آنان به‌خاطر ضربات دردآوری که از رزمندگان دلاور و محافظان تنگه هرمز خورده‌اند، از دریای عرب جلوتر نمی‌آیند و هرگاه این خطر را به‌جان خریده‌اند، آسیبی به‌خود وارد نموده‌اند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند. روزهایی بود که سلطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای ارباب، خیابان‌های پایتخت را خلوت ساخته و کودتایی علیه استقلال‌جویی این ملت به راه انداختند و پس از آن ۲۵ سال ثروت‌های این مملکت را غارت کردند؛ ولی این روزها هفت ماه است هموطنان ما می‌ادین و خیابان‌ها را در سراسر کشور به حضور مسئولانه و پرشور خود زینت بخشیده‌اند تا دل رزمندگان اسلام گرم باشد و دشمن در هراس فرو رود. همچنان‌که بیش از ۳۰ میلیون ایرانی، جانفدایی خود را اعلام نمودند و آنگاه که برای نوعی سازماندهی بنابر اعلام مجدّد حضور ایشان بود، تنها در ظرف ۱۰۰ دقیقه نخست، بیش از پانصد هزار نفر ظرفیت خواسته شده را تکمیل کردند. هم اکنون در سرتاسر ایران اسلامی که مزین به حضور ایرانیان از اقوام متنوع است، اعلام آمادگی‌های مختلف و به‌خصوص آمادگی‌های مسلحانه وجود دارد تا آوردگاهی بسازد که ایشان را نام، و دشمن‌شان را ننگ نصیب کند. روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرز و بوم، با مردانش شناخته می‌شد؛ اما اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند.

روزهایی بود که دشمن سعی کرده بود عقبه اجتماعی نظام را دائماً ضعیف‌تر سازد ولی در این روزها انواع اقشار جامعه با تفاوت‌های آشکار، بر حفظ مواضع بحق خود و از جمله حفظ تنگه پر خیر و برکت هرمز پای می‌فشارند.

مقاومت یمنی‌ها از نگاه شهید سید حسن نصرالله:



«بینی و بین الله زمانی که این تصاویر و این دلاوری‌ها و ایستادگی‌های اسطوره‌ای را می‌بینم می‌گویم ای کاش با شما بودم..»

طریق رسیدن به حق، یکی مبدأ است، یکی معاد است.

معرفت به مبدأ، کار هر کس نیست، اما معرفت به معاد چرا. و شما نگاه نکنید، یکی از چیزهایی که هادم و مُعَدِم فکر به دنیا و تعلق به دنیا است، واقعاً همین فکر مرگ است؛ یعنی انسان یک لحظه تصور نکند که اگر من فکر میکنم که تا چهل سال دیگر هستم، الان سال چهل و یکم است؛ خب الان من کجا هستم؟ چه وضعی دارم؟ انسان میبیند به چه چیزهایی میتواند دل ببندد؛ مثلاً به فلان مطلب؛ خب این هم که تمام میشود می‌رود. چیزی که باقی است چیست؟ به آن باید دل ببندد. و بعضاً انسان نمیتواند از دلبستگی‌اش دست بردارد، اما میفهمد باطل است؛ یعنی این [موضوع] که آدم شب و روزش را برای چه چیزی بگذارد و لحظاته‌ش را برای چه چیزی بگذارد، از اینجا اهمیت پیدا میکند.

یکی از چیزهایی که هادم و مُعَدِم تعلق به دنیا است، فکر مرگ است؛ یعنی انسان یک لحظه تصور نکند که اگر من فکر میکنم که تا چهل سال دیگر هستم، خب الان من کجا هستم؟ چه وضعی دارم؟ انسان میبیند به چه چیزهایی میتواند دل ببندد؛ مثلاً به فلان مطلب؛ خب این هم که تمام میشود می‌رود. چیزی که باقی است چیست؟ به آن باید دل ببندد. و بعضاً انسان نمیتواند از دلبستگی‌اش دست بردارد، اما میفهمد این باطل است.

مجموعه رسم بندگی نکات معنوی و اخلاقی برگرفته از درس‌های حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای است که به مرور توسط رسانه رهبر معظم انقلاب منتشر خواهد شد.

عملکرد و کلمات درخشان و هدایت‌بخش ایشان برای پیروان‌شان به‌جا مانده، روزهای آینده به‌مراتب شکوهمندتر از این روزها خواهد بود. زیرا آن ققنوسی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اوّل برآمد، اینک در اثر فشارهای دشمن و به‌خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن‌چنان بزرگ شده است که سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.

در این مجال بسیار بجا است که به‌مناسبت دوّمین سالگرد شهادت امیر قهرمان عرب و نماد بزرگ جبهه مقاومت، شهید عالی‌قدر جناب سید حسن نصرالله قدس الله نفسه الزکیه، یادی از آن‌جناب به‌عمل آید. کسی که خیرخواهی صادق برای ملت خود و مکتبش بود و خطبه‌های صادقانه و با حلاوت او و اقدامات شجاعانه‌اش، قلوب مردمانش و بلکه آزادگان جهان را مستحکم می‌ساخت. کسی که نام لبنان را که کشوری کوچک است و سال‌ها حیاط خلوت بعضی قدرت‌ها شده بود را به عظمت بلند ساخت. کسی که نصرت و فتح، همراهان دائمی او بودند و کسی که بی‌تردید در طول کلّ تاریخ شامات تا کنون، پس از انبیاء و اوصیاء ایشان، رجلی به عظمت او در آن خطّه کهن سر بلند نکرده بود. و البته اینک پرچم پرافتخار او در دستان جناب شیخ نعیم قاسم حفظه‌الله است که دلیرانه در پیشاپیش صفوف مستحکم و عاشورایی حزب‌الله، راه او را همچنان ادامه می‌دهند.

این روزهای لبنان در پیشگاه تاریخ و بلکه از همین حال، روزهایی برجسته و پرافتخار برای ایشان و همه مجاهدان مقاومت، و روزهایی ذلت‌آفرین و نهایتاً سرافکننده‌کننده برای آن کسانی است که در مقابل دشمن صهیونی چشم امید به وعده‌های دروغین سلطه‌گران و بدخواهان خود دوخته‌اند.

کسانی که بر خلاف سید شهید مقاومت و سید هاشم صفی‌الدین و مجاهدان کنونی مقاومت که در استمرار زمان چون اخترانی تابناک نورافشانی خواهند کرد و راهنمای رنجویان مانده در حیرت‌ها خواهند بود، خیلی زود و در اوّلین توزّص صفحات تاریخ، مدفون و فراموش خواهند شد و هرگاه در آینده یادی از ایشان به‌میان آید، یادآور بدی و بی‌تدبیری و حتی شاید خیانت خواهند گردید.

در پایان امیدوارم با استمرار تفضّلات الهی و دعای خاصّ سرورمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا فدا، ملت ایران و همه یاران مقاومت، جز با نصر و فتح و عزّت، و دشمنان‌شان جز با شکست و خواری مواجه نشوند؛ بمنّ الله و کرّمه.

۱۴۰۵/مهر/۶

صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین می‌داند و عمده مردمانش دلبسته آن والا مقام‌اند و برای اقامه حق هراسی ندارند را قدرت اوّل جهان می‌داند.

آن روزها دو دریای جنوب ایران، جولانگاه نیروهای دشمن بود، ولی این روزها آنان به‌خاطر ضربات دردآوری که از رزمندگان دلاور و محافظان تنگه هرمز خورده‌اند، از دریای عرب جلوتر نمی‌آیند و هرگاه این خطر را به‌جان خریده‌اند، آسیبی به‌خود وارد نموده‌اند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند. روزهایی بود که سلطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای اِرعاب، خیابان‌های پایتخت را خلوت ساخته و کودتایی علیه استقلال‌جویی این ملت به راه انداختند و پس از آن ۲۵ سال ثروت‌های این مملکت را غارت کردند؛ ولی این روزها هفت ماه است هموطنان ما میادین و خیابان‌ها را در سراسر کشور به حضور مسئولانه و پرشور خود زینت بخشیده‌اند تا دل رزمندگان اسلام گرم باشد و دشمن در هراس فرو رود. همچنان‌که بیش از ۳۰ میلیون ایرانی، جانفدایی خود را اعلام نمودند و آنگاه که برای نوعی سازماندهی بنابر اعلام مجدّد حضور ایشان بود، تنها در ظرف ۱۰۰ دقیقه نخست، بیش از پانصد هزار نفر ظرفیت خواسته شده را تکمیل کردند. هم اکنون در سرتاسر ایران اسلامی که مزین به حضور ایرانیان از اقوام متنوع است، اعلام آمادگی‌های مختلف و به‌خصوص آمادگی‌های مسلحانه وجود دارد تا آوردگاهی بسازد که ایشان را نام، و دشمن‌شان را ننگ نصیب کند. روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرز و بوم، با مردانش شناخته می‌شد؛ اما اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند.

روزهایی بود که دشمن سعی کرده بود عقبه اجتماعی نظام را دائماً ضعیف‌تر سازد ولی در این روزها انواع اقشار جامعه با تفاوت‌های آشکار، بر حفظ مواضع بحق خود و از جمله حفظ تنگه پر خیر و برکت هرمز پای می‌فشارند.

این مقایسه بین روزهای سابق و روزهای حال باز هم قابل بسط و توضیح است، ولی در یک کلام، بنده به‌عنوان خادم مردم عزیز ایران اعلام می‌کنم که آن روزهای سابق که دشمن ما آرزوی بازگشت به آن را دارد، گذشت و دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد. و البته باید با درد و اندوه یادآور شوم که در این روزها جای خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشان شهید اعلی‌الله مقامهما الشریف که عزّت امروز کشور، وامدار رهبری‌های آنان است، بسیار خالی است. ولی به برکت گنجینه ارزشمندی که از

نامه‌ای از غربت تا شهادت؛ روزنگار فرمانده در غربت شهید کاظمی

سلام علیکم؛ من سید کاظم کاظمی اهل ایران هستم، پنج شش روز است که به این‌جا، «آمریکا»، آمدم «دنور کلرادو» و الان در خوابگاه مرکزی «الس»، زندگی می‌کنم. در ایران قبل از آن‌که به آمریکا بیایم، خدمت آقای دکتر بهشتی بودم و راهنمایی‌های ارزنده‌ای فرمودند، من جمله این‌که آدرس شما را دادم و گفتند: میتوانم به آن‌جا نامه نویسم و شما کمک کنید. اول اگر برایتان مقدور است، آدرس یک مرکز یا انجمن اسلامی را یا مسجدی که نزدیکی محل من می‌باشد. دوم معرفی شخص یا اشخاصی که در مورد انتخاب موسسه زبان و گرفتن خانه به من کمک کند. روزهای زندگی من این‌جا بیهوده نمی‌گذرد. از ساعت ۷/۵ تا ۱ بعد از ظهر کلاس دارم و بعد از ظهر هم درس می‌خوانم البته هفته‌ای سه شب هم در یک رستوران کمک‌گارسونی می‌کنم که حدود هفته‌ای ۵۰ دلار در می‌آید که باز هم غنیمت است. تمام برنامه تفریح ما هم دو چیز است: اول مطالعه و دوم رفتن به مسجد در شهرهای جمعه که برنامه آن نماز جماعت و دو ساعت تفسیر قرآن و گاهی هم سخنرانی می‌باشد که بسیار مفید و قابل استفاده است. حالا بعد از هفت روز در روز یکشنبه، یک روز بعد از عید قربان، برایتان می‌نویسم که ما عیدی نداریم، عید ما روزی است که از ظلم خبری نباشد و امسال ما هر روز عید قربان است. هر روز مردمان را به رگبار می‌پندند و آنقدر از این خون‌ها خواهیم داد تا دریایی از خون بسازیم. تا ظالمان را در آن غرق و نابود گردانیم. نابودتر باد اما از نامه‌ات نوشته بودی که دنیا کثیف و بد است برادر جان! دنیا برای آنان بد است که خود بد و کثیف هستند و چون کرم‌هایی در لجن زندگی می‌کنند. برای مردان خدا دنیا بهترین مکان برای به عظمت رسیدن روح و کامل شدن آن می‌باشد. برای آنان بهترین مکان برای برداشتن توشه آخرت است. در تمام طول تاریخ ثابت شده است که اگر انقلابی پایه ایدئولوژی نداشته باشد به پیروزی نخواهد رسید. علماء مبارزه برای رهایی و به نتیجه رسیدن انقلاب را به سه بعد تقسیم کرده‌اند که اولین بعد آن مبارزه ایدئولوژی و داشتن پایه ایدئولوژی است. سپس بعد سیاسی و داشتن آگاهی و بینش سیاسی و در نتیجه مبارزات سیاسی و در آخر نیز بعد نظامی و قدرت عملی و فرود آوردن ضربت نهایی، آن وقت است که مبارزه به نتیجه خواهد رسید و انقلاب پیروز خواهد شد. یا سودای مجاهد بودن را



در سر نپوراندن و یا همچون حبیب باش، «حبیب ابن‌مظاهر»، که مجاهد راه حق، باید از سر و جان بگذرد. پس باید به وسیله مطالعه به آگاهی و شناخت رسید که ایمان و عشق واقعی در آن قرار دارد. تا خود و سپس خدا را شناسی ایمانت قوی نیست و برای یک مبارزه طولانی و مشکل محتاج به ایمان قوی هستیم. همان طور که در صدر اسلام سلمان‌ها و ابوذر را دارا بودیم. بامدادان فردا آفتاب آزادی بر خواهد دمید، این تیره شب را مسلم بدان که سحری به دنبال است. عباس جان! حتما به اندازه کافی فهمیده و هوشیار هستی و احتیاج به راهنمایی این حقیر نیست. اما یک جمله هم از ما بعنوان یادگار داشته باش و اگر می‌خواهی موافق باشی آنرا سرلوحه عمل خود قرار بده؛ چون ما هوشیار و هم‌چون کبوتران ساده باش. شما «پاسداران»، سبعل انقلاب هستید، لحظه‌ای از جان‌فشانی در راه انقلاب اسلامی کوتاهی نکنید. سعی کنید همیشه در خط امام (ره) و مردم باشید. اگر می‌خواهید من آرامش داشته باشم، لحظه‌ای از دشمن داخلی، منافقین و ملحدین غافل نباشید. من هم سعی کردم این‌گونه باشیم و در این راه به سهم خود تلاش نمودم. دیگر وصیت این است که قرآن را زیاد بخوانید، دعا را فراموش نکنید، نیت‌های‌تان را خالص کنید، اخلاق اسلامی را یاد بگیرید و حتماً عمل کنید، بخصوص خوش اخلاق باشید. اینار خود در اصل، لغت اینار از مشق است، وقتی کسی چیزی را بر می‌گزیند و آن چیز را ترجیح می‌دهد. به این دلیل است که با منطق خاصی اثر و نتیجه و فایده آن چیز را ترجیح می‌دهد. در قرآن درباره انسان‌های دنیا طلب، که تمام هم و غم خود را مصروف دنیا می‌کنند و به هیچ وجه به عاقبت و آخرت و آثار اخروی و نتایج آن جهانی اعمال خود نظر نمی‌کنند در سوره نازعات آیه ۳۷، ۴۱ فرموده است: فَأَمَّا مَنْ طَغَى، اما هر که طغیان کرد، وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، و زندگی پست دنیا را برگزید: إِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى، پس جایگاه او همان آتش است، وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى، و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز

داشت، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى، پس جایگاه او همان بهشت است. در این آیات، به قرینه متعلق و مفعول اینار که حیات دنیا باشد. اینار در معنای منفی آن به کار رفته است. به بیان دیگر در آیات یاد شده، اینار، حیات دنیا و به حیات مطمئن بودن و به لذت‌ها و منافع و به خوشی‌های حیات دنیا اکتفا کردن است. اینار به معنای غفلت از آخرت و عدم امید به ملاقات الهی است که در سوره «یونس» آیه ۱۰ به آن اشاره دارد. و نیز کسانی که از یاد خدا روی گردانند و به جز دنیا، هدف و غایت و مقصد دیگری ندارند، مطابق آیه ۲۹ سوره نجم، حیات دنیا را مقدم داشته اند: اینار گر، اگرچه آخرت را مقدم میدارد، لکن نیک می‌داند که وجهه باقی آخرت نیز از ناحیه باقی علی‌الاطلاق است: به عبارت دیگر اگر رزق ربک خیر و باقی است و اگر ما عندالله خیر و باقی است و اگر بقیه‌الله خیر لکن آن‌کنتم مؤمنین است. همه به این جهت است که والله خیر و باقی است؛ پس اینار گر، آخرت را نه برای آخرت بلکه صاحب آخرت می‌خواهد. عشق آن زنده‌گزين کوباقی است و ز شراب جان‌فراغت ساقی است. اینار اگر از رزق دنیوی می‌گذرد و دیگران را در این رزق دنیوی بر خود مقدم می‌دارد، از آن‌روست که جوئی مقام «عندیت» است. قرب مطلق، نزدیکی را می‌رساند؛ لکن، «عندیت» درجه‌اعلی‌قرب و حضور است و فرق است میان این که بگوییم «ان‌الله‌معنا» تا این که بگوییم، «انا‌عندالله»

به آیه شریفه زیر دقت کنید: «ان‌الله‌مع‌الصابرين، ان‌الله‌مع‌المتقين، ان‌الله‌مع‌الذين‌اتقوا‌والذين‌هم‌محسون، ان‌الله‌مع‌المحسين». و آن را مقایسه کنید با عندیت شهدا که اینار گر جان خود هستند و به درجات والای صبر، تقوا و احسان نایل شده‌اند. از واژه عندالله یکی دیگر از ویژگی‌های اینار گران نیز به دست می‌آید. عند یا عنود یعنی کسی که از روی خودکامگی، خودپرستی و خودمداری، دشمنی می‌ورزد. چه قدر فرق است، میان اینار گر که عندالله است و آنان‌که عندالله‌اند؛ به این ترتیب اینار گری به معنای نوع دوستی و دیگر دوستی نیست. بلکه به معنای خدا محوری، خدا دوستی و خدامداری است. به عبارت دیگر سه مرحله داریم: خودمداری و خود دوستی، دیگر دوستی، خدامداری و خدا دوستی. مفهوم اینار با مفهوم قدسی «عندالله»، بودن قرین است. گر برود جان ما در طلب وصل دوست (عندربهم)، حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست. اینار گر، نوع دوست نیست، بلکه منظور، آن است که نوع دوستی اینار گر، لازمه لاینفک و نتایج اجتناب ناپذیر خدا دوستی است. «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست». در آیه شریفه: «إِنَّمَا نُنْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» الدهر ۷-۸، آن‌جا که

علی و آل علی به مسکین و اسیر و یتیم می‌گویند؛ و لویه زبان حال، از شما نه پاداشی می‌خواهیم و نه سیاسی، نه به این معنا است که نوع دوست نیستند و به نوع خود اهمیتی نمی‌دهند، بلکه دقیقاً به این معنا است که اینار را بی‌شائبه و بی‌ریا و صرفاً برای جلب رضای الهی انجام می‌دهند. بدین ترتیب اینار گران نه اهل منت گذاردن هستند و نه اهل توقع و چشمداشت از دیگران، بلکه صرفاً لوجه‌الله یعنی برای رضای خدا اینار می‌کنند. آیه شریفه، توصیف حال اهل بیت است و حال کسانی که در آیه شریفه، مورد توصیف قرار گرفته‌اند، بسیار بالاتر و والاتر از حال کسانی است که در روایات امیرالمؤمنین مورد توصیه قرار گرفته‌اند. امام علی علیه السلام در مورد احسان و خدمت به خلق و پاداش آن در همین جهان می‌فرماید: «الایزهدنک فی‌المعروف من لا یشکره لک فقد یشکرک علیه من لا یستمتع بشیء منه»، از عنصر عنداللهی، «عندربهم رزق‌وق»، عنصر بقیه‌اللهی، عنصر وجه‌اللهی اینار، که عنصر و عصاره قدسی اینار است سخن گفتیم؛ بنابراین تنورسین‌هاواستر اتریزست‌های ماتریالیست که منکر ابدیت و تجرد روح‌اند و حتی سکولاریست‌ها که در صدد تجزیه مطلق «طبیعت و ماوای طبیعت»، دین و دنیا، خدا و انسان، عقل و وحی هستند، هرگز قادر به تبیین منطقی اینار نیستند. فرد گرایان، منفعت‌گرایان، قائلان به اصالت لذت و آنان که تنها به حق در مقابل تکلیف می‌اندیشند، یعنی اصالت را به حق می‌دانند و هیچ محدودیتی برای حق قائل نیستند مگر از ناحیه حفظ و حقوق و آزادی‌های خود و دیگران، هیچ توجیهی برای اینار ندارند. اصولاً فداکاری و اینار زمانی معنا دارد که انسان به تکلیف خود در برابر بشریت بیندیشد تا به حقوق خود برسد. هر تفکری که به نحوی سر از اگوئیزم انسان محور و به نحوی سر از اصالت انسان منهای ابدیت در آورد، بیهوده سخن از فداکاری می‌گوید و به دروغ خود را حافظ و حامی اینار و ارزش‌های انسانی از قبیل احسان، انفاق، جود، اکرام، تعاون و مواسات معرفی می‌نماید. بگذاریم از هابز که به صراحت تمام، انسان را گرگ انسان معرفی می‌کند و بگذاریم از امثال نیچه که با تکیه بر اصالت قدرت، هرگونه احسان، انفاق و تعاون را به طور صریح اخلاق ضعیف پرور دانسته و منکر فضیلت‌های اخلاقی از این قسم هستند. طرفداران اخلاق تکاملی که به تبع داروینیزم طبیعی در عالم اخلاق نیز قائل به تنازع بقا هستند، اساساً جایی برای فداکاری، تعاون و اینار باقی نمی‌گذارند. مفاهیم اخلاقی از قبیل احسان، جود، انفاق و انصاف را با اینار مقایسه کنید تا دریابید که اینار، یک فضیلت اخلاقی فوق همه فضائل است. جود و بخشش، احسان مالی محسوب‌می‌شود.